

The Security Consequences of the 2020 Nagorno-Karabakh War for the Islamic Republic of Iran with an Approach to the Copenhagen Security School

Afzal Tayebi¹, Leila Isavand², Zohreh Poustinchi³

¹ Ph.D. Student, Department of International Relations, S.T.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. afzalfanal@gmail.com

² Department of Political Science and International Relations, S.T.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding author). L_isavand@azad.ac.ir

³ Department of Political Science and International Relations, S.T.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. z.p.poustinchi@gmail.com

Abstract

The Karabakh conflict between the Republic of Azerbaijan and Armenia, termed the Second Nagorno-Karabakh War in the year 2020, has entailed numerous security and political consequences for the involved and neighboring countries. This event brought about the relative victory of Azerbaijan, geopolitical alterations, and an increase in the influence of the State of Israel. The present research, while studying the objectives of Baku in the project of the Second Karabakh War, seeks to address the security and political consequences of this war concerning the national security of the Islamic Republic of Iran. The objective of the research is to answer the question of what are the security consequences of the 2020 war between Azerbaijan and Armenia on the national security of the Islamic Republic of Iran based on the security theory of the Copenhagen School? The research method was descriptive-analytical, and with the approach of the Copenhagen security theory, it was demonstrated that Iran's policy vis-à-vis the aforementioned war, transcending the dimension of military security in its strict sense, has extended to other dimensions of security and has encompassed the political, cultural, and social dimensions as well. The security consequences of this war are also evident for Iran in the military, geopolitical, and territorial geography dimensions, Pan-Turkism, border insecurities, the influence and movements of Israel, the presence of excommunicative (*Takfiri*) terrorists in the border regions, and so forth.

Keywords: Second Nagorno-Karabakh War, Copenhagen School, Iran, national security, Azerbaijan, Armenia, Israel, Turkey.

Received: 2025-06-01 ; Received in revised form: 2025-07-20 ; Accepted: 2025-08-13 ; Published online: 2025-10-02

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2014042.2151>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



پیامدهای امنیتی جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ برای جمهوری اسلامی ایران با رویکردی به مکتب امنیتی کپنهاگ

افضل طیبی^۱، لیلا عیسی‌وند^۲، زهره پوستین‌چی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. afzalfanali@gmail.com

^۲ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

L_isavand@azad.ac.ir

^۳ گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد جنوب تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. z.p.poustinchi@gmail.com

چکیده

مناقشه قراباغ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان موسوم به جنگ دوم قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ پیامدهای امنیتی و سیاسی متعددی برای کشورهای درگیر و همجوار به دنبال داشته است. این واقعه، پیروزی نسبی آذربایجان و تغییرات ژئوپلیتیک و افزایش نفوذ کشور اسرائیل را به همراه آورد. تحقیق حاضر درصدد است ضمن مطالعه اهداف باکو در پروژه جنگ دوم قراباغ، به پیامدهای امنیتی و سیاسی این جنگ پیرامون امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بپردازد. هدف پژوهش، پاسخ به این پرسش است که پیامدهای امنیتی جنگ ۲۰۲۰ آذربایجان و ارمنستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ چیست؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و با رویکرد نظریه امنیتی کپنهاگ نشان داده شد که سیاست ایران در قبال جنگ مذکور، فراتر از بُعد امنیت نظامی در معنای مضیق آن، به ابعاد دیگر امنیت نیز تسری یافته و بُعد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را نیز دربر گرفته است. پیامدهای امنیتی این جنگ نیز در ابعاد نظامی، ژئوپلیتیک و جغرافیای سرزمینی، پان‌ترکیسم، ناامنی‌های مرزی، نفوذ و تحرکات اسرائیل، حضور تروریست‌های تکفیری در نواحی مرزی و... برای ایران مشهود می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: جنگ دوم قره‌باغ، مکتب کپنهاگ، ایران، امنیت ملی، آذربایجان، ارمنستان، اسرائیل، ترکیه.

استناد به این مقاله: طیبی، افضل؛ عیسی‌وند، لیلا؛ پوستین‌چی، زهره (۱۴۰۴). پیامدهای امنیتی جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ برای جمهوری اسلامی ایران با رویکردی به مکتب امنیتی کپنهاگ. *سیاست متعالیه*. ۱۳(۳): ص ۲۱۱-۲۳۰. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.2014042.2151>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۴/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

منطقه قفقاز به دلیل شرایط جغرافیایی ویژه خود، اهمیت راهبردی در حفظ امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. این منطقه از سوی شمال به روسیه، از سوی جنوب به ترکیه و ایران، از سمت غرب به دریای سیاه، و از طرف شرق به دریای خزر محدود می‌شود. موقعیت جغرافیایی چنین منطقه‌ای، با کشف منابع انرژی در دریای خزر و بحث درباره انتقال این منابع به بازارهای جهانی، باعث افزایش اهمیت منطقه قفقاز در سیاق منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای شده است.

منطقه قره‌باغ، یکی از زیرمجموعه‌های امنیتی در منطقه قفقاز جنوبی، از دیرباز بین جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان، به دلیل واقع شدن در یک فضای ژئوپلیتیکی، منبع تنش‌ها و مناقشات بوده است. این تنش‌ها از اواخر دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و با جنگ تمام‌عیار دهه ۱۹۹۰ تثبیت شد و اوج خود را در جنگی که از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ میلادی بین این دو کشور رقم زد. علاوه بر این، آگاهی از ماهیت گسترده‌تر این مناقشه نشان می‌دهد که تنها ارمنی‌ها و آذربایجانی‌های محلی در این تضاد دخیل نبوده‌اند و ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی این مسئله روز به روز گسترش یافته است (رجبی و رجبی، ۱۴۰۰: ص ۲۰۵).

به دلیل عواملی نظیر موقعیت ژئوپلیتیکی و نگرانی‌های امنیتی در منطقه قفقاز، همچنین تاریخچه کوتاه‌مدت استقلالی کشورهای این منطقه، فهم معمولی امنیت در قفقاز جنوبی بیشتر به بعد نظامی متمایل بوده است. در جنگ اخیر میان آذربایجان و ارمنستان، شاهد حضور بازیگران متخاصم و معارض در این منطقه بودیم که دو دسته بازیگران معارض غیردولتی مثل جریان‌ها و گروه‌های تروریستی و تکفیری، و دیگری بازیگران متخاصم دولتی مثل آمریکا و اسرائیل و دیگر بازیگران دولتی که به آذربایجان علیه ارمنستان یاری رساندند، حضور داشتند. حضور گروه‌های تروریستی در جنگ ۲۰۲۰ آذربایجان و ارمنستان باعث تهدید تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران شد. در این جنگ دخالت مستقیم ترکیه و جانب‌داری از آذربایجان، باعث حضور نیروهای متخاصم در مزرهای شمالی جمهوری اسلامی ایران شد که می‌تواند حتی تا کشاندن اختلافات به داخل مرزهای ایران نیز پیش برود. مناقشه جدید در قره‌باغ و ناپایداری امنیتی در مرزهای شمال غربی ایران، همراه با عدم تشکیل یک نظام امنیتی مشترک در منطقه قفقاز و دخالت انواع بازیگران منطقه‌ای (شامل روسیه، ترکیه و اسرائیل) و بین‌المللی (مانند آمریکا و انگلیس)، به یک وضعیت آشفته در این منطقه منجر شده است.

پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی-تحلیلی پیامدهای امنیتی و سیاسی جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ برای جمهوری اسلامی ایران را با رویکرد به نظریه امنیتی مکتب کپنهاگ مورد نقد و بررسی قرار دهد.

۲. پیشینه پژوهش

عباسزاده فتح‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «تحلیل سازه‌انگارانه چرخش در سیاست خارجی ایران در برابر بحران قره‌باغ (۲۰۲۰)» نشان دادند که تغییرات در سیاست خارجی ایران ناشی از عوامل متعددی است، از جمله تأثیر ایدئولوژی اسلامی شیعی، حمایت‌های داخلی آذری‌های ایران از جمهوری آذربایجان در مواجهه با بحران قره‌باغ، کاهش سیاست‌های قومیتی و پان‌آدریسم آذربایجان، و گرایش‌های واقع‌گرایانه و شرق‌گرایانه در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان. ولت و باون^۱ (۲۰۲۱)، نیز در پژوهشی با عنوان «آذربایجان و ارمنستان، درگیری درباره قره‌باغ» به بررسی پیامدهای جنگ برای آینده سیاسی و امنیتی منطقه قره‌باغ پرداختند. نتایج نشان داد که جنگ ۲۰۲۰ وضعیت سیاسی مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی را حل نکرد. همچنین باعث آشفتگی سیاسی در ارمنستان و تقویت دولت آذربایجان شد. جنگ ۲۰۲۰ همچنین ممکن است نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای روسیه و ترکیه و احتمالاً ایران را افزایش دهد. الهی‌نیا و شاه‌محمدی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «پیامدهای امنیتی بحران قره‌باغ بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، ضمن اشاره به چارچوب نظری کپنهاگ، به بررسی شماری از پیامدهای امنیتی این جنگ بر مرزهای ایران پرداختند. یافته‌ها بیانگر آن است که بحران قره‌باغ به دلیل فضای تنش‌آمیز در نزدیکی مرزهای ایران شامل انواع تهدیدات بوده و از میان پنج بعد امنیت (نظامی، اقتصادی، اجتماعی، محیط زیست و سیاسی) به لحاظ دخالت و نفوذ اسرائیل و گروه‌های تروریستی در این منطقه، بعد امنیت نظامی برجسته‌تر از سایر ابعاد دیگر امنیت است.

۳. چارچوب نظری

مطالعات سنتی امنیت بر محور نظامی به‌عنوان تنها گزینه در ابعاد امنیت متمرکز بود و تمرکز بر بعد نظامی امنیت تأثیر عمیقی بر نظامی محور شدن مطالعات امنیتی گذاشته بود. به طوری که مطالعات امنیتی عمدتاً به مطالعه جنگ آن هم در حوزه مطالعات استراتژیک تبدیل شده بود. این وضع تا اواخر دهه ۱۹۷۰ رویکرد مسلط در مطالعات استراتژیک و امنیتی بود؛ اما از اوایل دهه ۱۹۸۰ این رویکرد مورد چالش قرار گرفت. این نقدها ابتدا توسط «ریچارد اولمان» و سپس «هافندورن» و در ادامه توسط «دیوید بالدوین» صورت گرفت و «بوزان» به‌عنوان یک نواقح‌گرا به شکل بسیار مستدل‌تر، امنیت مضیق را زیر سؤال برد. مکتب کپنهاگ برای بیان تهدیدات وجودی در گستره امنیت، ابتدا امنیت اجتماعات بشری را به پنج بعد

نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تقسیم می‌نماید. سپس تهدیدات وجودی هر یک از پنج بعد را بیان می‌دارد و به تبیین مراجع و موضوعات هر یک از ابعاد مدنظر می‌پردازد (بوزان، ۱۳۹۹: ص ۳۴). از نظر بوزان و ویور، منظومه قدرت، تابعی از مناطق محسوب می‌گردد. برداشت آنها از منظومه قدرت، نوعی توجه محوری به نقش مناطق و اهمیت ژئوپلیتیک آنها در منظومه قدرت جهانی است (نورمحمدی و فصیحی دولت‌شاهی، ۱۳۹۷: ص ۱۵۸). تأکید بر سطح منطقه به نوپیداها و پویای امنیتی بعد از جنگ سرد در نظام بین‌الملل برمی‌گردد. بوزان، معتقد است که تحلیل‌های سطح کلان و سطح خرد نمی‌تواند پاسخگوی تغییرات ایجادشده در ابعاد و مرجع امنیت باشد (Buzan, 1991: p. 70). بنابراین بنا به دیدگاه اندیشمندان مکتب کپنهاگ در مطالعه و بررسی پیامدهای امنیتی هر رویدادی، نیازمند پرهیز از نگاه مضیق به این مقوله و توجه به امنیت موسع در حوزه‌های مختلفی چون اقتصاد، اجتماع، سیاست، محیط زیست و در نهایت مسائل نظامی هستیم.

۴. مناقشه ارمنستان و آذربایجان پیرامون قره‌باغ

درگیری قره‌باغ رسماً از فوریه ۱۹۸۸ آغاز شد. البته در دهه‌های قبل نیز آذری‌ها و ارمنه در خصوص منطقه با یکدیگر اختلافات تاریخی داشتند. اگرچه در سال ۱۹۹۴ یک پیمان آتش‌بس به امضاء رسید، اما آنها به لحاظ فنی هنوز در جنگ هستند. حدود یک میلیون نفر به واسطه مناقشه ناگورنو-قره‌باغ بی‌خانمان شده‌اند و موضوع سکونت آنها و وضعیت آتی این سرزمین از جمله مسائل عمده‌ای است که باید حل و فصل شوند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۴۰۰: ص ۱). در ماه مه ۱۹۹۲، شهر «شوشا» و سپس شهر «لاچین» به تصرف نیروهای ارتش ارمنستان درآمد. این درگیری‌ها از زمان «ابوالفضل ایلچی‌بیگ»، رئیس‌جمهور سابق آذربایجان، به یک جنگ تمام‌عیار تبدیل شد و در زمان وی بخشی از «کلبجر» و «آق‌دره» واقع در شمال قره‌باغ تحت اشغال نیروهای ارمنستانی قرار گرفت. در زمان تصدی «حیدرعلی‌اف»، چهارمین رئیس‌جمهور آذربایجان، نیروهای ارمنی علاوه‌بر در اختیار گرفتن قره‌باغ به دیگر مناطق جنوب جمهوری آذربایجان سرازیر شده و شهرهای «آقدام»، «فضولی»، «جبرائیل»، «قبادلی»، «زنگلان» را تصرف کردند. بالأخره در ۱۲ مه ۱۹۹۴، در حالی که یک پنجم خاک آذربایجان در اشغال نیروهای ارمنی بود، بین نیروهای دو کشور آتش‌بس برقرار شد. از آن سال به بعد تلاش‌هایی برای برقراری صلح دائم و اعاده وضعیت به حالت قبل صورت گرفته، ولی هیچ‌کدام از این اقدامات به حل نهایی مسأله منجر نشده است. در سال‌های پس از ۱۹۹۴ مذاکرات متعددی بین مقامات آذربایجان و ارمنستان انجام شد. به‌علاوه، در این سال‌ها ابتکاراتی برای

برقراری صلح در این منطقه، توسط کشورها و سازمان‌های مختلف از جمله گروه مینسک، ایران، فرانسه و آمریکا ارائه شد (رجبی و رجبی، ۱۴۰۰: ص ۲۰۶). تداوم جنگ ۲۰ ساله بین ارمنستان و آذربایجان و اشغال مستمر همان مناطق، افزون بر معضلات آوارگان، بحران و چالش مشروعیت سیاسی برای حکومت آذربایجان ایجاد کرده است. سیاست‌های همگانی‌سازی فرهنگی اعمال شده توسط دولت آذربایجان در برخورد با اقلیت‌های مختلف از جمله تالشی‌ها و لزگی‌ها، منجر به تشدید تنش‌های قومی در این کشور و تقویت جدایی‌انگیزی میان اقلیت‌ها شده است (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ص ۶۴). بعد از گذشت ۲۶ سال از جنگ اول قره‌باغ، کنش‌های سیاسی جدیدی شکل گرفت که نشان از تنش شدید میان دو کشور بود، از جمله:

جنگ دوم قره‌باغ از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ شروع شده و به مدت ۴۴ روز ادامه داشت. هر دو کشور اعلام حکومت نظامی و بسیج عمومی کرده‌اند و تلفات و خسارات سنگینی به هر دو طرف وارد شده است. نهایتاً در تاریخ ۱۰ اکتبر، با پیگیری روسیه و همکاری سازمان صلیب سرخ جهانی، بین دو کشور توافق آتش‌بس برقرار شد. این توافق از ۹ نوامبر ۲۰۲۰ اجرایی گردید. تصویب مفاد زیر مستند بر این توافق هستند:

(۱) خروج مرحله‌ای نیروهای نظامی ارمنستان از نواحی خارج از مرزهای بین‌المللی شناخته شده که مشتمل بر قره‌باغ کوهستانی، کلبجر، لاپچین و آغدم هستند.

(۲) اسکان قریب به ۲۰۰۰ نیروی حافظ صلح بین‌المللی روسی در منطقه قره‌باغ کوهستانی به جز مناطقی که تحت کنترل آذربایجان هستند.

(۳) سازماندهی یک کریدور ارتباطی بین ارمنستان و خانکندی (استپانکرت) با مسئولیت حافظان صلح بین‌المللی روسی.

(۴) تثبیت امنیت مسیر ترانزیتی بین نخجوان و آذربایجان از خاک ارمنستان توسط نیروهای حافظ صلح روسی (International Crisis Group, 2020: p. 3). به نظر می‌رسد تصویب قطعنامه مذکور پیروزی نسبی آذربایجان را به همراه داشته و نیروهای ارمنی طبق این مفاد مجبور به ترک نواحی اشغال شده آذربایجان شده‌اند. در ۶ مهر ۱۳۹۹ محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه وقت جمهوری اسلامی ایران نیز در گفتگوی تلفنی جداگانه با زهراب مناتسکانیان، همتای ارمنی و جیحون بایرامف، همتای آذری خود، ضمن اطلاع از آخرین وضعیت و شرایط میدانی و همچنین ابراز نگرانی از شرایط به‌وجود آمده، «دو طرف را به خویشتنداری، آتش‌بس و پایان فوری خصومت‌ها و همچنین آغاز مذاکره در چارچوب حقوق و قوانین بین‌المللی دعوت کرد» (روزنامه کیهان، ۱۳۹۹/۰۷/۰۶). همچنین مقام معظم رهبری در اولین واکنش به درگیری‌های جاری میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در قره‌باغ در ۱۳ آبان ۱۳۹۹ (۲۰۲۰) فرمودند، همه سرزمین‌های

جمهوری آذربایجان که به‌وسیله ارمنستان تصرف شده باید آزاد شود و به آذربایجان برگردد. البته ضروری است امنیت ارامنه‌ای که در این نواحی هستند، تضمین شود و مرزهای بین‌المللی هم بایستی محفوظ باشند (روزنامه کیهان، ۱۳/۰۸/۱۳۹۹). بررسی پیامدهای امنیتی جنگ قره‌باغ بر امنیت جمهوری اسلامی ایران متناسب با مسائل مختلفی است که شامل امنیت مرزی، منطقه‌ای، اقتصادی، سیاسی و داخلی می‌شود. از آنجاکه رخدادهای تنش‌زای جنگ ۲۰۲۰ و صلح بر مبنای طرح پیشنهادی روسیه در همان سال و همچنین نفوذ نیروهای منطقه‌ای و فرماندهی‌های در آذربایجان، امنیت جمهوری اسلامی را به چالش کشیده است، تمرکز این پژوهش بر حوادث سال ۲۰۲۰ و پیمان صلح طرفین متمرکز است.

۵. شاخص‌ترین پیامدهای جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ بر امنیت ملی ایران

انگیزه و هدف اصلی ایران در قفقاز به خصوص مناطق جنگ‌زده قره‌باغ، تأمین و تضمین منافع دفاعی^۱ و رفاهی^۲ از طریق راهبرد موازنه‌سازی،^۳ میانجی‌گری،^۴ همکاری و همگرایی کارکردی-اقتصادی، و امنیت همکاری‌جویانه^۵ است. علاوه بر مسئله روابط سرزمینی و مرزی در چارچوب برنامه‌های تجزیه‌کننده‌ای مانند طرح گوبل، مسئله انتقال انرژی، حرکت‌های قومی علیه مناطق آذری‌نشین و روی گرداندن وفاداری جوانان از هویت ملی از پویش‌های تهدیدزایی است که از ناحیه قفقاز جنوبی علیه ایران شکل گرفته است (کلانتری و کاویانی‌فر، ۱۳۹۹: ص ۶۳۲). بدون شک جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ آسیب‌ها و پیامدهایی برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل همجواری به همراه خواهد داشت. حضور بازیگران دولتی متخاصم و معارض در نزدیکی مرزهای ایران (آمریکا و اسرائیل) و حضور جریان‌های تکفیری در مناطق آزاد شده از جنگ در نزدیکی ایران منجر به تهدید تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران می‌شود؛ پیامدهایی که امنیت ملی را تهدید می‌کند (نجفی‌سیار و ابراهیمی، ۱۴۰۰: ص ۵۰۳).

۶. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۶-۱. امنیت نظامی ایران بعد از مناقشه قره‌باغ و نفوذ و تحرکات اسرائیل در کشور آذربایجان

اهتمام جمهوری اسلامی ایران در راستای تأثیرگذاری بر جمعیت شیعه مستقر در آذربایجان و فراهم

1. Defensive interests
2. Welfare interests
3. Balancing
4. Mediation
5. Cooperative security

نمودن زمینه‌های اجرای اصول اسلامی در این کشور، با توجه به حضور اقلیت یهودیان در آذربایجان، همجواری با ایران و منابع غنی نفت و گاز در این منطقه، اسرائیل توجه ویژه‌ای به این کشور با جمعیت شیعه معطوف نموده است. اسرائیل همواره تلاش می‌کند نقشی فعال در مسائل جمهوری آذربایجان ایفا کند؛ به‌عنوان مثال در بحران قره‌باغ، این رژیم مواضع مثبتی را نسبت به آذربایجان اتخاذ کرده و برخی منابع ادعا می‌کنند که اسرائیل و ترکیه تسلیحات و تجهیزات نظامی به آذربایجان ارسال کرده‌اند. علاوه بر این، در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲، آذربایجان و اسرائیل قراردادهای همکاری امنیتی منعقد نموده‌اند. در سال ۲۰۱۶، نخست وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیا‌هو، از خرید آذربایجان به ارزش ۵ میلیارد دلار از این رژیم خبر داد و در سال ۲۰۱۷، موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم از خرید فناوری‌های نظامی باکو به ارزش ۱۲۷ میلیون دلار از اسرائیل خبر داد (Avdaliani, 2020). بدین ترتیب، بخش چشمگیری از تجهیزات پهبادی مانند هواپیماهای بدون سرنشین انتحاری کامی‌کازه^۱ و تسلیحات موشکی مانند بالستیک کوتاه‌برد LORA که تأثیر چشمگیری در برتری آذربایجان در منارغه قره‌باغ داشت، مشتمل بر تسلیحاتی بوده که اسرائیل تدارک دیده است (Shaikh & Rumbaugh, 2020). در موضوع قره‌باغ، سه عامل مشخص یعنی رژیم صهیونیستی، ارمنستان و برخی رسانه‌های افراطی و تندرو در جمهوری آذربایجان همواره سعی دارند تا روابط تهران و باکو را تنش‌آلود کنند. رژیم صهیونیستی به دلیل داشتن منابع مالی فراوان و حمایت‌های سیاسی- رسانه‌ای ابرقدرت‌ها و همچنین برخورداری از سلاح هسته‌ای به منزله تهدیدی جدی برای کشورهای منطقه و به خصوص ایران مطرح است. جمهوری ارمنستان نیز ترجیح می‌دهد باکو دوستان کمتری در عرصه بین‌المللی داشته باشد؛ از این رو با انتشار اخبار جعلی و گمراه‌کننده سعی می‌کند روابط تهران و باکو را دچار خدشه کند. رسانه‌های افراطی و تندرو در جمهوری آذربایجان نیز همگام با دکت‌ترین رژیم صهیونیستی و ارمنستان، در واقع به بلندگوی اطلاعات ساختگی و گمراه‌کننده آنها تبدیل شده‌اند. بدین ترتیب ضروری است در عرصه رقابت‌های رسانه‌ای، رویکردهای «صلح دوستی ایران» و «عدم مداخله نظامی» بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد (فیروزی و همکاران، ۱۴۰۰: ص ۱۴۹). مکتب کپنهاگ اظهارات و تفکرات کسانی است که امنیت را منحصرأ در چارچوب عینی و جدا از ذهن و اندیشه‌های اشخاص تلقی نمی‌کنند؛ بلکه آن را به عنوان موضوعی بین‌ذهنی در نظر می‌گیرند. بوزان در این مکتب ابتدا موضوع امنیت را به‌عنوان یک مسئله ذهنی و مبتنی بر تصمیمات بازیگران تعریف می‌کند. او تأکید می‌کند که امنیت در یک جامعه به واسطه تصمیم‌گیری

۱. از قبیل: SkyStriker, Orbiter Harop

بازیگران تعریف می‌شود؛ چراکه بازیگران می‌توانند به مفهوم امنیت مراجعه کرده و برخی پدیده‌ها را به عنوان تهدید مشاهده نموده و دیگران را وادار به پیروی از الزامات امنیتی کنند (عبدالله‌خانی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۶). از این رو ضروری است جمهوری اسلامی ایران در راستای حفاظت از امنیت ملی خود، به پدیده قره‌باغ و تحولات میدانی آن به‌مثابه یک تهدید بالقوه بیندیشد و راهکارهای مناسبی را برای مدیریت آن اعمال نماید.

۶-۲. حضور تروریست‌های تکفیری- سلفی در نواحی مرزی شمال غرب ایران

یکی از شاخص‌ترین پیامدهای مناقشه منطقه قره‌باغ که بدون شک بر امنیت مرزی و داخلی جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار خواهد بود، نفوذ و حضور گروه‌های تکفیری- سلفی سوری از قبیله داعش، جبهه النصره و... در امتداد نواحی مرزی ایران بود. رویکرد امنیت‌زدایی که بدون شک توسط ترکیه اعمال شده، با انتقادات رسمی کشورهای هم‌چون ایران، ارمنستان و روسیه مواجه شده است. مثلاً، کرملین نگرانی خود را از حضور مزدوران خارجی در منطقه قفقاز جنوبی اعلام کرده و گزارش‌ها نشان می‌دهد جنگجویان عناصر سازمان‌های تروریستی بین‌المللی در این منطقه حضور دارند که در آسیای غربی فعالیت داشتند، به‌خصوص گروه‌هایی از قبیل «جبهه النصره»، «سلطان مراد»، «فرق الحمزه» و تشکل‌های افراطی گرد. این چالش علاوه بر آسیب به منطقه تحت نفوذ روسیه، به تهدید امنیت آن نیز در منطقه قفقاز شمالی منجر می‌شود (Isachenko, 2020). نماینده رسمی ارمنستان در سازمان‌های بین‌المللی «آرمن پاپیکیان» نیز در بیانات خود در ۹ اکتبر ۲۰۲۰ در سازمان امنیت و همکاری اروپا گفته است: کشور ارمنستان با استناد به اقدامات تحریک‌آمیز و تنش‌زای ترکیه در راستای حمایت بی‌دریغ از آذربایجان در ابعاد سیاسی و نظامی از قبیل اعزام نیروهای تروریست بین‌المللی و تکفیری‌های سوری و اهل لیبی به نواحی تنش‌زای قره‌باغ، ترکیه را کلیدی‌ترین نیروی بی‌ثبات‌کننده قره‌باغ معرفی کرده و از سازمان امنیت و همکاری اروپا تقاضا نمود که آذربایجان را مجبور کند که نظامیان خود را به انضمام تروریست‌های وابسته، از قفقاز جنوبی خارج کند (Papikyan, 2020). از طرفی مقام معظم رهبری (۱۳/۰۸/۱۳۹۹) نیز به موضوع اعزام و حضور نیروهای تروریستی سوری به نواحی هم‌مرز با کشور ایران اشاره کردند و فرمودند که «تروریست‌ها نباید در مجاورت مرزهای ما مستقر شوند. به‌علاوه، گزارش‌ها نشان می‌دهد که تعدادی از تروریست‌ها از مکان‌های مختلف وارد این منطقه شده‌اند، حتی اگر برخی از افراد این امر را انکار کنند. در صورتی که این افراد نزدیک به مرزها حضور داشته باشند و به‌عنوان یک تهدید شناخته شوند، بدون شک برخورد قاطعی با آن‌ها خواهد شد. این امر می‌بایست جلوگیری شود». گروه‌های تروریستی تکفیری که تحت حمایت رژیم صهیونیستی و ترکیه فعالیت می‌کنند،

نقش بسیار حیاتی در تحولات منطقه‌ای، به ویژه در پیش‌روی‌های جمهوری آذربایجان در منطقه قره‌باغ ایفا کرده‌اند. این گروه‌ها با تأسیس شبکه‌هایی از گروه‌های مسلحانه و تروریست‌ها در مناطق مرزی و عمق آذربایجان، تلاش کرده‌اند تا اهداف خود را در مناطق مورد نظر دنبال کنند. ترکیب ایدئولوژی تکفیری با هدایت و حمایت مالی از سوی رژیم صهیونیستی و ترکیه، تسهیل‌گر نفوذ این گروه‌ها به داخل مناطق قره‌باغ شده و بر امنیت منطقه تأثیر منفی گذاشته است. این گروه‌ها از تاکتیک‌های تروریستی و خشونت‌آمیز در مناطق مذهبی و قومی استفاده کرده و تنش‌ها را افزایش داده‌اند.

۳-۶. تقابل ایران و ترکیه در فعل و انفعالات جنگ ۲۰۲۰ ارمنستان و آذربایجان

از نقطه‌نظر منطقه‌ای، جنگ اخیر دارای یک عملیات مشخص ضدایرانی نیز بوده است. عملیاتی که در اتاق‌های فکر ترکیه با هدف فشار و تحت تأثیر قرار دادن سیاست‌های تهران از دو جنبه مذهبی و قومی تدوین شده بود. می‌توان ادعا کرد که برخلاف معمول در طول درگیری ۴۴ روزه، خبر یا مقاله‌ای با بار منفی علیه ایران در رسانه‌های باکو منتشر نشد. برعکس گویی این رسانه‌های دولتی ترکیه بودند که به طور هماهنگ مالیخولیایی به نام «آذربایجان جنوبی» را به صورت سازمان‌یافته برجسته کرده و حتی مدیران رسانه‌ای نزدیک به اردوغان ساعت و روز تظاهرات میدانی عوامل نزدیک به خود را در شهرهای ایران اعلام می‌کردند. کمال اوزتورک، مشاور رسانه‌ای اردوغان و مدیرعامل سابق خبرگزاری آنا تولی یکی از این چهره‌ها بود. تهران به هرگونه برنامه عملی آنکارا در منطقه به شدت حساس است. چنانچه با طرح آنکارا، برای واگذاری قره‌باغ به ارمنستان در مقابل واگذاری قسمتی از مرز ارمنستان به جمهوری آذربایجان که هم‌مرز با ایران است، به شدت به مخالفت پرداخت. ترکیه نیز همین حساسیت را در برابر ایران دارد؛ نمونه آن به پرواز درآمدن هواپیمای ترکیه بر فراز باکو در پی اختلاف میان ایران و جمهوری آذربایجان در تابستان ۲۰۰۱ در دریای خزر است. این اقدام ترکیه را می‌توان مبتنی بر اصل دفاع در خط مقدم دانست. این حرکت‌ها حاکی از آن است که در صورت لزوم، ایران و ترکیه برای دفاع از منافع ملی خود از نیروی نظامی نیز استفاده خواهند کرد. گرچه به ظاهر در منطقه آرامش حکم‌فرما است، اما زاویه‌های پنهان این آرامش می‌تواند ابعاد نظامی به خود بگیرد (جوادی ارجمند و فلاحی، ۱۳۹۴: ص ۲۱۴). در جنگ ۲۰۲۰ بین آذربایجان و ارمنستان در منطقه قره‌باغ، تقابل و فعل و انفعال‌های ایران و ترکیه، دینامیکی مهم در منطقه ایجاد کردند. این دو کشور همسایه، در حالی که تلاش می‌کردند منافع منطقه‌ای و ملی خود را حفظ کنند، با چالش‌های مشترک و متضادی مواجه شدند. ایران به‌عنوان کشوری با تاریخ نفوذ قوی در قفقاز و با توجه به امنیت مرزی خود در منطقه، تلاش کرد تا تعادل

مناسبی در این مناطق حفظ کند. ایران نه تنها از مذاکرات صلح بین طرفین جنگ حمایت کرد، بلکه تدابیر نظامی خود را در مرزها تشدید نمود. این کشور همچنین به دلیل نگرانی‌های امنیتی مرزی، تقویت نیروهای نظامی و نظارت بر مرزهایش را افزایش داد. از سوی دیگر، ترکیه به حمایت بی چون و چرای آذربایجان پرداخته و با تقویت همکاری نظامی با این کشور، نقش مهمی در افزایش فشار نظامی بر ارمنستان ایفا کرد و به دنبال تقویت نفوذ و تأثیر خود در قفقاز بود و این مناطق را به عنوان مناطق تأثیرگذار بر امور منطقه‌ای تصور می‌کرد. این تقابل و فعل و انفعال‌ها از دیدگاه منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان یک مسأله پیچیده و چالش برانگیز تحلیل می‌شوند و نقش اساسی دو کشور در این منطقه را بیش از پیش نمایان می‌سازد.

۶-۴. پیامدهای امنیت فرهنگی و اجتماعی مناقشه قره‌باغ برای ایران

یکی دیگر از ابعاد یا وجوه امنیت، امنیت فرهنگی - هویتی یا اجتماعی است. قرابت و رابطه نزدیکی بین امنیت اجتماعی و سیاسی وجود دارد. امنیت دولت و حکومت تنها به عنوان مقدمه و لازمه امنیت جامعه موضوعیت و مشروعیت دارد. چون مهم‌ترین وظیفه و کارکرد دولت تأمین امنیت ملت و مردم است. با این وجود، همیشه و همواره بین امنیت حکومت و ملت سازگاری و همسانی وجود ندارد (Buzan & et al., 1998: p. 40-60). امنیت اجتماعی همان تأمین اجتماعی نیست. تأمین اجتماعی ناظر بر افراد است و عمدتاً سرشتی اقتصادی دارد، ولی امنیت اجتماعی ناظر بر جمع‌ها و هویت آنها است؛ اما مفهوم امنیت اجتماعی نه به این سطح فردی و پدیده‌های عمدتاً اقتصادی، بلکه به سطح هویت‌های جمعی و اقدامات اتخاذ شده برای دفاع از اینگونه هویت‌ها ناظر است (بوزان، ویور و دووولد، ۱۳۸۶: ص ۱۸۵). با اتکاء به نظریه‌های مکتب کپنهاگ که توسط باری بوزان و الی ویور ارائه شده است، عواملی مانند مجاورت جغرافیایی، پیشینه تاریخی مشترک، الگوهای دوستی و دشمنی میان کشورها، و شیوه‌های مشابه در تأمین امنیت، به عنوان عناصر کلیدی در تحلیل مسائل امنیتی مورد توجه قرار می‌گیرند. این رویکرد با پیوند دادن مؤلفه‌های فرهنگی، تاریخی و جغرافیایی، امکان فهمی جامع‌تر از روابط میان کشورها را فراهم می‌سازد و نشان می‌دهد که چگونه ابعاد مادی (مانند قدرت نظامی و منابع) و ابعاد غیرمادی (مانند هویت، ادراکات و گفتمان‌ها) در کنار یکدیگر عمل کرده و چارچوب کلی امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی را شکل می‌دهند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ص ۳۰۹). به همین ترتیب، تأثیرات منفی مناقشه در قره‌باغ بر وحدت ملی ایران، منجر به نگرانی‌های امنیتی این کشور شده است. از منظر فرهنگی، منطقه قفقاز جنوبی به خصوص در نظر ایران به عنوان مکملی از میلیون‌ها ایرانی‌زبان آذری در استان‌های شمال غربی ایران، اهمیت ویژه‌ای دارد. حضور آذری‌ها در استان‌های

آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان و همچنین حضور هزاران نفر از ارمنه در شهرهایی چون تبریز، تهران، سلماس، و جلفا اصفهان، سبب اهمیت دوچندان این موضوع در ساختار امنیت ملی ایران شده است. نظریه پردازان مکتب کپنهاگ امنیت را از بعد فرهنگی مربوط به توانایی جامعه برای تولید الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، هویت ملی و شرایط قابل قبولی برای تکامل می‌دانند (Buzan, 1991: p. 433). از طرف دیگر، پنجمین کنگره آذربایجانیان جهان در شوشا به‌عنوان اولین کنگره در مناطق تحت تسلط جمهوری آذربایجان بعد از جنگ ۴۴ روزه پاییز سال ۲۰۲۰، حساسیت‌هایی را از بعد فرهنگی و حتی سیاسی برانگیخته است. حضور الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان در این کنگره چند روزه و مهم‌تر از آن دعوت از برخی چهره‌های تجزیه‌طلب رادیکال ضد ایرانی، حواشی‌ای را برای این کنگره ایجاد کرد. اگرچه بعد از جنگ قره‌باغ و تسلط جمهوری آذربایجان بر برخی مناطق، فضا و مکان لازم و مناسب برای جولان و تحرک چهره‌ها و جریان‌های تجزیه‌طلب پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم در کنار مرزهای ایران شکل گرفته است، اما این جریانات و چهره‌ها به هیچ وجه خطری برای امنیت جمهوری اسلامی ایران و تمامیت ارضی کشور نخواهند بود. با این وجود می‌توان از آن به‌عنوان یک چالش ضد امنیتی از نگاه مکتب کپنهاگ یاد کرد. بنابراین، مناقشه قره‌باغ در جنوب قفقاز به‌عنوان یکی از مسائل بین‌المللی مهم و پیچیده، تأثیرات عمیقی بر امنیت فرهنگی و اجتماعی ایران داشته است. ایران به‌عنوان یک کشور با تنوع فرهنگی بالا، ممکن است با ایجاد تنش‌ها و اختلافات فرهنگی در داخل کشور مواجه شود. این اختلافات می‌توانند به بروز مشکلات اجتماعی و تقسیمات در جامعه منجر شوند.

۵-۶. تهدیدهای ژئوپلیتیکی ایران از جانب آذربایجان و ترکیه

اگر دالان زنگرور طبق ادعای جمهوری آذربایجان عملیاتی شود، ایروان دچار یک انزوای ژئوپلیتیکی در پیرامون خود خواهد شد؛ زیرا هم دسترسی آن به ایران دچار اختلال می‌شود و هم با توجه به مسئله نسل‌کشی ارمنه توسط ترکیه و خصوصت تاریخی ترک‌های آناتولی با ارمنه، روابط با آنها در ابهام قرار می‌گیرد. در نتیجه، تنها راه ارتباطی ارمنستان به گرجستان ختم می‌شود که تحت تأثیر ترکیه قرار دارد. در مقابل، این دالان جعلی با ایجاد گشایش ژئوپلیتیکی برای جمهوری آذربایجان، نه تنها دریچه نوینی برای ورود آن به ترکیه و اروپا است، بلکه باعث می‌شود از استقلال عمل بیشتری نه تنها در مقابل ارمنستان، بلکه در مقابل همسایگان برخوردار شود (Hedlund, 2021: p. 8). تحقق احتمالی دالان جعلی زنگرور، ضربه‌ای مضاعف به ایران است. تهران نه تنها با خطر از دست دادن بسیاری از مزایای عبور ترانزیتی در ارتباط با ارمنستان، گرجستان و

روسیه مواجه می‌شود، بلکه نقش آن در دالان شمال- جنوب تضعیف شده و جریان سودآور کالاها از ترکیه به آسیای میانه را نیز از دست می‌دهد. آتا سرداروف، سفیر ترکمنستان در ترکیه تأکید کرد که مسیر ترانس کاسپین می‌تواند تمام تجارت ترکیه به آسیای مرکزی را بدون عبور از ایران انجام دهد (Hedlund, 2021: p. 6). در صورت اجرای طرح مورد نظر جمهوری آذربایجان، در حقیقت مرز ایران و ارمنستان نیز که کریدوری حساس برای تجارت و ترانزیت از ایران به قفقاز محسوب می‌شود، از بین خواهد رفت؛ موضوعی که می‌توان از آن به عنوان خط قرمز اصلی ایران و دلیل اصلی تحرکات نظامی جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شمال غرب یاد کرد. از آنجایی که در نگرش مکتب کپنهاگ، امنیت اقتصادی به دسترسی به منابع، پول و بازارهای ضروری برای حفظ سطح قابل قبولی از رفاه و قدرت دولت مربوط است، جمهوری اسلامی ایران نیز به این ضرورت واکنش جدی نشان داده و واکنش‌های سیاسی و گاهاً نظامی به این قضیه نشان داده است. رزمایش «فاتحان خیبر» توسط نیروی زمینی ارتش در منطقه شمال غرب در محدوده بین پلدشت تا جلفا و در حاشیه جنوبی رود ارس طرح‌ریزی و اجرا شد و پیام روشنی برای مخلان امنیت ملی ایران بود. بنابراین، ایدئولوژی پان‌ترکیسم با ورود به پروژه دومین جنگ قره‌باغ و تلاش برای اجرای دالان مرزی زنگزور، تلاش می‌کند تا با استفاده از ادعاهای آذربایجان‌گرایانه و نادیده گرفتن آن توسط باکو، به سمت پان‌تورانیسم حرکت کرده و در ایجاد بحران‌های ژئوپلیتیکی نه تنها در ایران، بلکه در چین و روسیه نیز نقشی فعال ایفا کند. از این رو، می‌توان ادعا کرد که پان‌تورانیسم یک پروژه است که به وسیله ترکیه به همراه همکاری با رژیم صهیونیستی و حمایت از غرب، به ویژه انگلستان تعریف شده و در پی تحقق اهداف ژئواستراتژیک و ژئواکونومیکی است تا به یک کد ژئوپلیتیکی برای کنترل و محدودسازی سه کشور ایران، روسیه و چین تبدیل شود.

۶-۶. ناامنی‌های مرزی

قبل از جنگ اخیر در قره‌باغ، جمهوری اسلامی به دلیل هم‌مرز بودن با مناطق متنازع، دارای قابلیت تعیین نقش در تعامل‌ها و روابط بین‌المللی بود و مقامات قره‌باغ همواره از این امکان بهره می‌بردند. ایران قادر بود در سازمان‌دهی ارتباطات با ارمنستان و جمهوری آذربایجان از این موقعیت بهره‌مند شود. اما با انتقال مناقشه قره‌باغ به عمق خاک جمهوری آذربایجان در موقعیت پسا‌جنگ ۲۰۲۰، روسیه به‌عنوان بازیگر اصلی در معادلات جدید عمل می‌کند و رژیم صهیونیستی و ترکیه نیز کوشش خواهند کرد نقش و تأثیر خود را در این مسئله بازتاب دهند. در این شرایط، امکان بازیگری و تأثیرگذاری ایران در منطقه مورد بحث به شدت کاهش خواهد یافت (نجفی‌سیار و ابراهیمی، ۱۴۰۰: ص ۵۲۰). همچنین ایجاد محور ترانزیتی آذربایجان-

ارمنستان-نخجوان-ترکیه به دلیل نزدیکی این مسیر به مرزهای ایران، فرصت‌هایی را برای نظارت بر مناطق مرزی کشور و تشخیص تهدیدات اطلاعاتی و امنیتی توسط سازمان‌های اطلاعاتی، به ویژه سازمان‌های ترکیه، آمریکا و رژیم صهیونیستی در برابر منافع ملی ایران ایجاد می‌کند. بنابراین، از دیدگاه مکتب کپنهاگ، ناامنی مرزی در مناقشه قره‌باغ از جنبه‌های مختلف تفسیر می‌شود:

(۱) تأثیر بر تغییر مرزها و قدرت منطقه‌ای: مکتب کپنهاگ معتقد است که ناامنی مرزی می‌تواند به تغییر مرزها و توزیع قدرت در منطقه منجر شود. در مناقشه قره‌باغ، افزایش تنش‌ها و تغییرات مرزی ممکن است بر توازن منطقه‌ای تأثیر بگذارد.

(۲) تأثیر بر امنیت ملی: مکتب کپنهاگ تأثیر امنیت ملی را از دیدگاه تهدیدهای مرزی مورد بررسی قرار می‌دهد. ناامنی مرزی می‌تواند به تهدید امنیت ملی ایران تبدیل شود و به ویژه در مناطق مرزی ناامن تأثیر منفی داشته باشد.

(۳) تأثیر بر امنیت انسانی: از دیدگاه مکتب کپنهاگ، امنیت انسانی یکی از ابعاد مهم امنیت بین‌المللی است. ناامنی مرزی می‌تواند به تأثیرات منفی بر امنیت انسانی، از جمله مهاجرت ناپسند و تضییقات علیه جمعیت مرزی، منجر شود.

(۴) تأثیر بر توازن منطقه‌ای: مکتب کپنهاگ به توازن منطقه‌ای توجه ویژه‌ای دارد. ناامنی مرزی می‌تواند توازن منطقه‌ای را به چالش بکشد و به تشدید رقابت‌های منطقه‌ای منجر شود.

(۵) تأثیر بر راهبردهای امنیتی: ناامنی مرزی ممکن است به تغییر راهبردهای امنیتی ایران منجر شود. این تغییرات ممکن است نیاز به تطابق با تهدیدهای جدید را ایجاد کند.

۶-۷. باز شدن پای ناتو و آمریکا در مرزهای شمال غربی ایران

جمهوری آذربایجان در منطقه نگرانی‌های امنیتی فراوانی دارد که راه غلبه بر آن‌ها را در نزدیکی به قدرت‌هایی چون آمریکا، ترکیه و به صورت مشخص ناتو می‌بیند. با این حساب حالا که مسیر دسترسی این کشور از راه زمین به نخجوان فراهم شده و از همین مسیر با ترکیه ارتباط زمینی کاملی ایجاد کرده است، گرایش آذربایجان به ناتو و قدرت‌های غربی افزایش یافته و حتی نشانه‌هایی هرچند اندک از پیوستن آذربایجان به ناتو نیز نمایان خواهد شد؛ مجموعه تحولاتی که می‌تواند به باز شدن پای ناتو در مرزهای شمال غربی ایران منجر شود. تداوم چالش قره‌باغ که سبب شده ایران از بسیاری از پتانسیل‌های خود در منطقه محروم شود، مرزهای ایران با ارمنستان و آذربایجان دچار تغییرات خطرناکی شده، به طوری که از مرز ۷۶۵ کیلومتری با

آذربایجان حدود ۱۲۰ کیلومتر آن در دست جدایی طلبان قره‌باغ است که این روند تأثیر خاصی بر طرح‌های اقتصادی در این منطقه که ایران در آن ذی‌نفع است، بر جای گذاشته است. همچنین تداوم این بحران می‌تواند احتمال گسترش مداخله‌های خارجی را افزایش دهد؛ به‌گونه‌ای که روسیه در چارچوب تعهدات و منافع راهبردی خود در حمایت از ارمنستان وارد عمل شود و در مقابل، ایالات متحده آمریکا و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نیز با هدف پشتیبانی از جمهوری آذربایجان نقش فعال‌تری در معادلات امنیتی منطقه ایفا کنند که این موضوع باعث تهدید امنیت ملی ایران شود. از سوی دیگر، احتمال وقوع نزاعی دیگر در این منطقه و تبعاتی از قبیل توسعه ناامنی، پناه آوردن آوارگان به داخل مرزها، تقویت حضور دولت‌های متخاصم در نواحی مورد منازعه و احتمال حضور گروه‌های افراطی و تکفیری را خواهد داشت (Avdaliani, 2020: p. 124). بازشدن پای ناتو و آمریکا در مرزهای شمال غربی ایران می‌تواند دوره‌ای از تغییرات ژئوپلیتیکی و امنیتی مهم را نمایان کند. این اقدام ممکن است منجر به تغییرات در توازن قوای منطقه‌ای شود و نگرانی‌های امنیتی برای ایران ایجاد کند. ایران ممکن است این اقدام را به‌عنوان تهدیدی به امنیت ملی خود تشخیص دهد و برای مقابله با آن اقدامات احتیاطی انجام دهد. همچنین، این موضوع ممکن است تأثیری بر موازنه قوا در منطقه داشته باشد و توجه کشورهای همسایه و ائتلاف‌های جدید را جلب کند. برای پیشگیری از تشدید تنش‌ها و تداوم مذاکرات دیپلماتیکی، تبادل اطلاعات و تعامل منطقه‌ای می‌تواند کارگشا باشد.

۶-۸. جریان‌های پان‌ترکیسیم و پان‌آدریسم آذربایجان

نبرد در منطقه قره‌باغ همواره تأثیرات خاص خود را بر فضای سیاسی داخلی ایران داشته است. در این شرایط بحرانی، آذری زبانان ایران در شهرهای مختلف به حمایت از تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان و بیان شعارهای قومیتی واگرایانه دست زدند. انمه جمعه در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان نیز اظهارات مثبتی نسبت به تلاش‌های دولت آذربایجان برای بازپس‌گیری اراضی قره‌باغ اتخاذ کردند و این تدابیر را به‌عنوان «کاملاً قانونی و شرعی» تأیید کردند. به‌علاوه، حمایت‌ها و کمک‌های مالی ارمنه ایران به ارمنستان و پشتیبانی ایرانیان از ارمنستان در طی بحران اخیر، ابعاد دیگری از حساسیت‌های ملی در ایران را بیان می‌کرد و تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی کشور را در این زمینه پیچیده‌تر می‌نمود (نجفی‌سیار و ابراهیمی، ۱۴۰۰: ص ۵۱۹). جریان‌های پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم می‌توانند ایدئولوژی‌های وحدت ملی را ترویج کنند که ممکن است در کشورهای ترک‌زبان منطقه ایران به تحریکات قومی و مذهبی

منجر شود و در نتیجه، امنیت ایران را تهدید کند. جریان‌های پان‌ترکیسم و پان‌آدریسم ممکن است در تشکیل نیروی فشار به تغییرات مرزی در منطقه قره‌باغ نقش داشته باشند و به تغییرات منطقه‌ای و افزایش تنش‌ها منجر شوند. این تنش‌ها ممکن است بر امنیت ایران و توازن منطقه‌ای تأثیر بگذارند. در نهایت، تأثیر این جریان‌ها بر امنیت ایران به دلیل همجواری با ترکیه و آذربایجان و مناطق همسایه، نیاز به مدیریت هوشمندانه و تعامل مثبت در منطقه دارد. همچنین، ایران می‌تواند با استفاده از دیپلماسی فعال و اقدامات ترکیبی امنیتی و سیاسی، به معرفی پیشنهادهای سازنده برای حل اختلافات منطقه‌ای و تقویت تعامل منطقه‌ای بپردازد.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با مرور مفهوم امنیت از دیدگاه مکتب کپنهاگ، به‌عنوان یک حوزه برای مطالعات انتقادی امنیت، موضوعات امنیتی در منطقه استراتژیک قره‌باغ را ارزیابی و تحلیل کرده است. این تحقیق از دیدگاه مکتب کپنهاگ، مفهوم امنیت را به‌عنوان یک مفهوم گسترده و متنوع در دوران پس از جنگ سرد تلقی می‌کند که تنها به ابعاد نظامی محدود نمی‌شود و سایر حوزه‌های اقتصاد، سیاست، اجتماع و فرهنگ را نیز دربرمی‌گیرد. این موضوع به خوبی در جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ مشاهده شده و پیامدها و چالش‌های مختلفی برای جمهوری اسلامی ایران به همراه داشته است. بعد از رسیدن به توافق صلح تحت نظارت روسیه، ارمنستان تمامی مناطقی که تصرف کرده بود را به جمهوری آذربایجان بازپس داد و نیروهای نظامی و مردمی خود را از مناطق مورد اختلاف خارج کرد. با نگاهی به نقشه منطقه، مشاهده می‌شود که این تحولات منجر به از دست دادن تقریباً کامل نوار مرزی ایران با جمهوری ارمنستان شده و ایران در مرزهای شمالی خود تقریباً به‌طور کامل با جمهوری آذربایجان همسایه شده است. در حالی که ایران اعلام کرده بود که از آزادی سرزمین‌های جمهوری آذربایجان در قفقاز حمایت می‌کند و بر حفظ امنیت و حقوق جمهوری ارمنستان نیز تأکید دارد، اما واقعیت نشان می‌دهد که منافع ایران تأمین نشده است. سناریوی احتمالی و نامطلوبی که از پیامدهای امنیتی جنگ ۲۰۲۰ ارمنستان و آذربایجان در پوشش سیاست‌های جنگ دوم قره‌باغ می‌توان پیش‌بینی کرد، حاوی فشارها و چالش‌های ژئوپلیتیکی زیادی برای جمهوری اسلامی ایران است. وخیم‌ترین وضعیت این سناریوی احتمالی زمانی است که مکانیسم اعضای ۳+۳ (ارمنستان، آذربایجان، گرجستان به‌عنوان سه کشور حوزه قفقاز و روسیه، ترکیه و ایران) به‌عنوان همسایه‌های راهبردی، به مکانیسم ۳+۲ و منهای ایران تغییر شکل دهد که در این صورت نه‌تنها ایران از منطقه قفقاز طرد می‌شود، بلکه باید علاوه بر طردشدگی، با کارشکنی‌ها و سیاست‌های توسعه‌طلبانه و زیاده‌خواهی جمهوری آذربایجان و ترکیه مواجه شود و تدابیر امنیتی و سیاسی

پیچیده‌ای را اجرا نماید و بدین شکل مانع از صدور بحران به درون مرزهای خود و شکل‌گیری بحران قومیتی در استان‌های شمال غربی خود یعنی شهرهای ترک‌نشین شود. مهم‌ترین پیامدهای سیاسی و امنیتی جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان و ارمنستان، حضور نیروهای متخاصم و معارض در نزدیکی مرزهای شمالی و ایجاد شکاف قومیتی در ایران است که در نهایت منجر به تهدید تمامیت ارضی کشور و تهدید امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌شود. به طور کلی، پیامدهای امنیتی را در ابعاد نظامی، اجتماعی و فرهنگی جنگ ۲۰۲۰ می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد: افزایش همکاری‌های فنی و تسلیحاتی تفاهم‌نامه‌های اقتصادی و برنامه‌های آموزشی نظامی و انتظامی با دولت‌های رقیب ایران و فعالیتهای اطلاعاتی و جاسوسی؛ گسترش دیدگاه‌های مرکزگریز و تجزیه‌طلب، روند روی گرداندن وفاداری اقلیت‌های قومی، مذهبی، فرقه‌ای و زبانی ایرانی از نظام ایران؛ همکاری و مشارکت امنیتی و نظامی با ناتو و آمریکا در دوره‌های بحرانی و در اختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی انتقال نیرو و تسلیحات برنامه‌های آموزشی و مانورهای مشترک. از نظر امنیتی، جنگ در قره‌باغ به افزایش تنش‌ها در مرزهای ایران منجر شده و امنیت مرزی ایران را به چالش کشیده است. به همین منظور ایران به صف‌آرایی قوای نظامی و تقویت خطوط مرزی خود با کشورهای آذربایجان و ارمنستان روی آورده است. تدابیر نظامی خود را تقویت کرده و تعدادی از نیروهای نظامی خود را در مرزها، تمرین و تأمین کرده است. بنابراین، جنگ قره‌باغ تأثیرات عمیقی بر جمهوری اسلامی ایران داشته است. ایران می‌بایست با دقت و توجه به تحرکات و تغییرات نظامی و سیاسی، استراتژی‌های جدیدی در قفقاز و منطقه را دستور کار خود قرار دهد تا ضمن تغییر تهدیدها به فرصت، امنیت نظامی و سیاسی خود و مرزهایش و به طبع آن منافع ملی خود را تأمین نماید.

منابع

- الهی‌نیا، میلاد؛ شاه‌محمدی، محمد (۱۴۰۱). پیامدهای امنیتی بحران قره‌باغ بر امنیت جمهوری اسلامی ایران. *دانش‌نامه علوم سیاسی*، ۳(۶): ص ۲۷-۴۷.
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۳). *جغرافیای قفقاز*. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- بوزان، باری (۱۳۹۹). *مردم، دولت‌ها و هراس*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ پنجم.
- بوزان، بری؛ ویور، ال؛ دووینلد، جاپ (۱۳۸۶). *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر؛ فلاحی، احسان (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قفقاز جنوبی (با تأکید بر ارمنستان و جمهوری آذربایجان). *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۸(۲): ص ۲۱۱-۲۲۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۰۸/۱۳). *سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سالروز ولادت پیامبر اعظم (ص) و امام صادق (ع)*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id>
- دعوت ایران به آتش‌بس و آغاز مذاکرات میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان. *روزنامه کیهان* (۱۳۹۹/۰۷/۰۶). قابل دسترس در: <https://kayhan.ir/fa/news/200527>
- رجبی، محمد؛ رجبی، هادی (۱۴۰۰). تهدیدات مناقشه قره‌باغ بر امنیت مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران. *علوم و فنون مرزی*، ۱۰(۳۷): ص ۲۳۴-۲۰۳.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ احمدیان، قدرت؛ مؤمن صفایی، علیرضا (۱۳۹۸). تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نقش تأثیرگذار دو کشور آمریکا و اسرائیل در آن (براساس مکتب کهنه‌هاگ و مجموعه امنیتی، منطقه‌ای). *سیاست و روابط بین‌الملل*، ۳(۶): ص ۳۳۱-۳۰۵.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی؛ معین‌آبادی بیدگلی، حسین؛ دوست حسینی، مهدیه (۱۴۰۰). تحلیل سازه‌انگارانۀ چرخش در سیاست خارجی ایران در برابر بحران قره‌باغ. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۴(۲): ص ۲۲۵-۲۴۶.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۹۲). *نظریه‌های امنیت*. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی.
- فیروزی، جابر؛ سلطانی‌فر، محمد؛ جعفری، علی (۱۴۰۰). بازتاب جنگ دوم قراباغ در مطبوعات ایران (مطالعه موردی: روزنامه‌های کیهان، اعتماد و اطلاعات). *پژوهشنامه رسانه بین‌الملل*، ۶(۲): ص ۱۷۷-۱۴۷.
- کلانتری، فتح‌الله؛ کاویانی‌فر، پیمان (۱۳۹۹). اولویت‌بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از راه قفقاز جنوبی: راهبردها و راهکارها. *مطالعات اوراسیای مرکزی*، ۱۳(۲): ص ۶۴۴-۶۲۳.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). *مناقشه قره‌باغ کوهستانی و پیامدهای ژئوپلیتیکی آن برای منطقه قفقاز جنوبی*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نجفی‌سیار، رحمان؛ ابراهیمی، هادی (۱۴۰۰). آثار و پیامدهای توافق‌نامه آتش‌بس بحران ۲۰۲۰ قره‌باغ بر امنیت و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. *روابط خارجی*، ۱۳(۳): ص ۵۳۲-۴۹۹.

- نورمحمدی، مرتضی؛ فصیحی دولتشاهی، محمدعارف (۱۳۹۷). کاربرد نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰(۲): ص ۱۵۳-۱۸۹.
- Avdaliani, E. (2020). *Defying Geography: The Israel-Azerbaijan Partnership, The Begin-Sadat Center for Strategic Studies*. URL= <https://besacenter.org/perspectives-papers/israel-azerbaijan-partnership/>.
- Buzan, B. (1991). *People, state and fear: an Agenda for International Security Studies in the post-Cold War Era*. Boulder Lynne Rienner, Chapter 4.
- Buzan, B., Wæver, O. & de Wilde, J. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers.
- Hedlund, S. (2021). The geopolitics of the South Caucasus after the 2020 Nagorno-Karabakh war. Stockholm: Swedish Institute of International Affairs (UI). *Policy Brief*, No. 8.
- International Crisis Group. (2020). *Getting from Ceasefire to Peace in Nagorno-Karabakh*. URL = https://reliefweb.int/sites/reliefweb.int/files/resources/kh%20_%20Crisis%20Group.pdf.
- Isachenko, D. (2020). *Turkey–Russia Partnership in the War over Nagorno-Karabakh*. German Institute for International and Security Affairs (SWP).
- Papikyan, A. (2020). *Ambassador Armen Papikyan's statement in reply to the statement presented by the United States Delegation on behalf of the OSCE Minsk Group Co-Chair countries during the 1284th meeting of the OSCE Permanent Council*.
- Shaikh, Sh. & Rumbaugh, W. (2020). *The Air and Missile War in Nagorno-Karabakh: Lessons for the Future of Strike and Defense*. Center for Strategic and International Studies.
- Wolff, S. & Bowen, A. (2021). The Nagorno-Karabakh conflict: Implications for regional security and geopolitics. *International Affairs*, 97(4): p. 1027–1046.